

# ایران

منافع طبقاتی زحمتکشان - معیار واقعی

در هفته‌ای که گذشت برخی از مسائل حاد و گرهی اجتماعی و اقتصادی در میهن ما مطرح گردید و مورد بحث محافل تصمیم گیرنده و مطبوعات قرار گرفت. اهمیت طرح این مسائل، از جمله در این واقفیت نهفتاست، که به منظور صریح و آشکار و منبسط و منبسط برای موضع گیری‌ها و تعیین می‌کنند و کمتر جا و بیانه‌های باقی می‌گذارد، تا در زیر پرده‌های کزوبی‌ها یا اسلام نمایی‌ها مواضع اصلی - به سود زحمتکشان یا به سود بهره‌کنان، به سوی عدالت - اجتماعی یا به سوی بازگشت به نوعی نظام وابسته و استعماری - پنهان گردد.

مطالعه در این هفته در مجلس شورای اسلامی قانون مربوط به مالیات‌ها مطرح بود و موادی از آن تصویب شد، یا رد شد. با این لایحه، سیاست مالیاتی جمهوری اسلامی ایران باید معین گردد و معلوم شود که بار تأمین بهر درآمد دولت را، از این بابت، چه کسی به دوش خواهد گذاشت؛ توده محروم زحمتکش یا صاحبان ثروت و درآمدهای کلان.

طرح این مسئله مناسبی بود، تا مدافعین نظام مبتنی بر ثروت و نابعد و "حساب کلان!" و "سرمایه‌داری!" و دودرویی مدافعین منافع حقه کوخشنبان و زحمتکشان، که اینجاد کنندگان مانع ثروت‌های ایران اینبارگر انقلابند، بایستند و، تا آنجا که بتوانند، مانع تودیسین یک سیاست مالیاتی انقلابی و مطابق با اهداف انقلاب گردند. اگر چه گروه اول برپایه‌های "استدلالاتی" خود بسته و پوششی باعاب اسلام - نمایانه بر ظاهر نظریات خود افکندند، ولی همه اینها نتوانست مانع شود که به هنگام طرح مسئله، خطه ازم آشکارا نمایان شوند و متنازع به اساسی مشخص گردند. یکی می‌گوید: که ماده مربوط به مالیات بر اموال اطلاق سهام کارخانه‌ها "خلاف شرع است"، ولی دیگری می‌گفت که: "مالیات صاحبان سرمایه‌های بزرگ را نشانه گرفت، مزی می‌گفت که: "مالیات بر اربت اصلا خلاف شرع است"، و هاشمی رفسنجانی پاسخ می‌داد که: مالیات خلاف شرع نیست - هر دو، به تصریح رئیس مجلس، در حوزه علمیه درس خوانده بودند، ولی آن هنگام که مسئله جدی اجتماعی - اقتصادی مطرح شد، معیار واقعی تمیز بین خطه‌ها و موضع گیری‌ها به دست آمد. بار دیگر صحت این نظر صاحب‌حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها ثابت شد، که باید هرچه آشکارتر و صریح‌تر مسائل حاد و گرهی اقتصادی مطرح شود، تا معلوم گردد که هر کسی چه می‌گوید و در چه موضعی است.

در این بحث، که بالاخره باید از صاحبان ثروت‌های کلان و درآمدهای چندمیلیونی، به منظور تصاعدی، مالیات جدی گرفته شود یا نه

۲ - نظیر همه مسائل دیگری که سابق مشخص طبقاتی است استعمارگرانی زیر علامت سلواری قرار می‌گیرد، ملاک واقعی این تشخیص، که بالاخره خطه امانی کیست و انقلابی کیست، بروز گرد. آن کسانی که می‌گویند: "یا انتقال به اولاد و وقف خاص سواستفاده برای نبرد اخشن مالیات" صورت می‌گیرد و تأکید می‌گردند که: "سرمایه‌داران حبله‌گر برای فرار از مالیات" ترغیب می‌زنند و "پول‌ها را هم دلاری می‌توانم قاچاق ایزی می‌فرستند خارج - اعم از معمم یا مگلا - در این سوی مرز قرار گرفتند. در مقابل، آن کسانی که از "تحلیل کردن مالیات" دم زدند و از "ماندن مردم" مترسکی ساختند (بحث درباره "مردم" می‌بود که درآمدهای سالی، میلیون‌تومان دارند!) - اعم از معمم یا مگلا - در این سوی مرز جاری ندادند.

بدینسان، تعیین سیاست مالیاتی به صحنه نبرد جدی، که بارها در این گونه مناسبت‌ها دیده شده، بدل گردید، که در آن جانبداران خط مردمی و مستضعف‌پرور انقلابی به منظور جدی با مدافعان خط سرمایه - داری و درو رو قرار گرفتند. گام‌های خوشبختانه‌توانستند، که پیشهاد مربوط به حذف ماده مربوط به اذخام مالیات‌ها تا ۷۵٪ از درآمدهای بالای ستمی میلیون‌تومان را رد کنند و تا مسافله موفق شدند، که موادی از قانون مطرحه را حذف کنند. مدافعان خط سرمایه‌داری حتی ابایی نداشتند از این محاسبات را رد کردن بعدی لوجی از این دست، توسط شورای نگهبان، یا به توسل به هیئت قضایی، "بترسانند" ولی آن‌ها با پاسخ قاطع رئیس قوه مقننه روبرو شدند.

لازمست که وقتاً این بحث‌ها را دنبال کنند و صحنه‌های نبردیرا، که در این گونه موارد درسی گیرد، به دقت تعقیب کنند، زیرا که سرنواشت انقلاب در گرو نظام اجتماعی - اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است، در چگونگی تدوین این تدابیر مشخص و تصویب و اجرای یک رشته قوانین بنیادی است. ضمناً در هنگامه این نبرد است، که خطه‌ها و موضع گیری‌ها روشن می‌شود و برای همه ما و همه انقلابیون، وظیفه‌ها و حمایت‌ها از خط انقلابی و جانبدار زحمتکشان و عدالت اجتماعی و افتخار خط دفاع از سرمایه‌داری و راست‌گرایان بازتر از همیشه مطرح می‌گردد، و در همین مثال‌های مشخص و زنده و موضوع روز، برای روشن کردن افکار مردمی و توضیح برای همگان، به خاطر تحکیم و تعمیق انقلاب، در دسترس قرار می‌گیرد.

## ضرورت "انقلاب اقتصادی به سود مستضعفان"

در همین زمینه شخصیت‌های مختلف و مطبوعات، به ویژه با توجه به مشکلات موجود و ناراضی‌ها و سوءاستفاده ضدانقلاب و لیبرال‌ها از آن، طی این هفته، موضع گیری‌هایی کردند، که برای درک نرسیدگان خط انقلابی و خط راست‌گرا بسیار قویا است. انکسای همه آن‌ها در این ستون ممکن نیست، ولی به عنوان نمونه از سخنان حجت‌الاسلام برهانی، یکی از ستولان دادستانی انقلاب اسلامی امروزین تهران و از طرفدارهای روزنامه کیهان یاد می‌کنیم. وقتاً و دویس‌ها باید با مطالعه منظم و دقیق جرایم و دنبال کردن حوادث، همه نمونه‌ها را با دقت مورد توجه قرار دهند. آقای برهانی می‌گوید: "انقلاب اسلامی متعلق به طبقه مستضعف و محروم است و از سوی همین کوخشنبان است که حمایت و نگه‌داری می‌شود. افرادی در گوشه و

۳ کار هستند که می‌خواهد با عمل فشار بر آمده اقتصادی این‌ها جان انقلاب را نازمی و خسته کند... انقلاب از طبقه مستضعف شروع شده و همیشه از سوی آن‌ها حمایت می‌شود و ستولان جمهوری اسلامی باید پیش از پیش به فکر پاره‌ها باشند... افرادی می‌خواهند تا - واضی تزاری کنند و روند انقلاب را بسود مستضعفان سوق ندهند تا بتوانند به بنی ایجاد کنند. این‌ها ضرورت صرم است که باید هنگام با پیشرفت انقلاب در ایجاد دیگر، به دقت اقتصادی را دستم بگیریم... این دولت است که باید انقلاب اقتصادی را به سود مستضعفان در جامعه ایجاد کند."

این موضع گیری‌ها و نظایر آن در محافل دولتی و روحانی و نهادهای ارگان‌ها، اگر قوت گیرد و به خط غالب بدل شود، آینده انقلاب را امیدبخش و پیروزی آن را با شکست تأخیر می‌کند.

آقای برهانی به خوبی متوجه است که بهره‌کنان می‌توانند زیر پرده پوش "اسلامی" پنهان شوند و لذا به دقت هشدار می‌دهد که: "این سرمایه‌دار در هر پوشش یا هر ماسکی که اقتضا کند، چهره عوض می‌کند، تا از میان دیدن آن امکان‌ها تلی برخوردار باشد. باید این پوشش‌ها را از میان برداشته و همان امکانات تلی برخوردار باشد. روزنامه کیهان در سرفاله خود به درستی به "عواقب اجتماعی و سیاسی" مسائل مختلف اقتصادی و مشکلات مردم، نظیر "گرانی و تورم و احتکار"، توجه می‌کند و هشدار می‌دهد، که اگر این مسائل حل نشوند، "ثبات اقتصادی جامعه دستخوش دگرگونی‌های غیرقابل پیش‌بینی و کنترل خواهد شد."

روزنامه کیهان این مسائل حاد را، که با زندگی و گذران میلیون‌ها مردم محروم پیوند دارد، و "واقعیت دردناک" می‌خواند و هشدار می‌دهد که:

"مشکل اجتماعی به تدریج شکل سیاسی به خود می‌گیرد و... موفقیت سیاسی ما در داخل و خارج تحت اشعاع ناتوانی‌های درونی ما در زمینه‌های اقتصادی قرار خواهد گرفت. این یک هشدار جدی است، که حاد بودن و مبرم بودن اتخاذ تدابیر لازم و بنیادی را به سود زحمتکشان، به سود عدالت اجتماعی، مطرح می‌کند. سرفه‌ها و پیروزی روزنامه‌ها، که از دست رفتن پانگه هبستگی زندگی بخش انقلاب و در نتیجه امکان یافتن دشمن برای براندازی است، می‌شکافد و نویسد: "این ضد درونی، زمینه بروز حالت بی‌تفاوتی و سپس باسی و نارضایتی در مردم" می‌شود و "بالتر از این، دشمن اصلی ما امپریالیسم آمریکا باشد و این امر مع و این ضعف‌ها و ناتوانی‌ها به تدریج و تدریج در پیچه‌های خود بدین‌ها در مسائل اقتصادی می‌پردازد."

با این برداشت درست، در سرفاله دیگری، همین روزنامه‌ها بیان نتیجه می‌رسد که:

"هیچ تفاوتی بین ارتش صدام و بالاتر از آن آمریکا و یک محترک سرمایه‌دار، به عنوان یکی از عوامل آن‌ها، موجود نیست. پس مرز میان تحکیم و پیشرفت انقلاب با توقف و مسخ آن، بیش از پیش، با مطرح مسائل حاد جامعه مشخص می‌گردد و طرف آن‌ها نیز روز بروز ناگزیرتر و حل آن‌ها روز به روز حیاتی‌تر می‌شود. و در این زمینه روز نرفته‌ها سخن، بلکه عمل است که برای توده مردم ملاک قرار می‌گیرد. به نوشته‌های روزنامه، "جز فزودن کافی نیست، باید نظریات درست به مقام عمل نینشد."

تازه یکماه از مصاحبه آقای مصطفی شیرینی شنیده می شود که گذشت و نظری دارد به متحقق می پیوندد، که گفت:

«من فکر می کنم زامان بسیار نزدیک است که بین هواداران واقعی خط امام با مدعیان دروغینی که از انقلاب و دگرگونی نظام اقتصادی به ارشیدها از طاغوت وحشت دارند، مرز بندی های دقیق تری صورت خواهد گرفت... مرز بندی بین خط امامی های راستین و کسانی که مخالفین جدی استعمار و استثمار هستند، چیزی اجتناب پذیر است.»

نماینده جنوری در خط نخستین، کسانی را جای می دهد که: «به خاطر عقشان به محرومان جامعه ما از طرح های بنیادینی مثل اجرای بند "ج" و گذاری زمین، دولتی کردن تجارت خارجی، ملی کردن بانکها و کارخانجات و مبارزه با امان با سرمایه داران و استحصایت کرده اند.»

هنوز دوام از مصاحبه جناب الاسلام موسوی خنئی ها، که صحنه نبرد اقتصادی را عرصه اصلی نبرد خواند، گذشته است، که در این عرصه نبردی سرنویست ساز درگیر شده و در مقابل مردم انقلابی ما چه راه گزینی و با معیار حمایت از زحمتکشان، انقلاب اقتصادی به سواد مستمعان و عشق به محرومان، روشن تر می شود.

اصلاحات ارضی، یکی از مهم ترین مسائل انقلاب در دستور روز

شکستنی بزرگ مالکی و انجام اصلاحات ارضی بنیادین در این هفته بار دیگر، به چندین مناسبت، به عنوان یکی از حادث ترین و ضروری ترین مسائل روز جامعه ما مطرح شد.

ولی توست و می بایست از سه سال پیش با قاطعیت و مصممانه در جهت متاخر زحمتکشان روستاها و میلیون ها دهقان بی زمین که زمین و به وسیله مصالح عالیله انقلاب و تحکیم جمهوری حل شود، هنوز هم در انتظار حل خوشی اند، درست سال پیش شهید باهنر از جانب شورای انقلاب، اعلام کرد که: به مسأله فئودالها پایان داده خواهد شد و زمین به دهقانان تهری دست و واگذار خواهد گردید. سخنان دکتر باهنر نمایانگر یکی از اهداف انقلاب، یک گام بزرگ جامعه و حقوق نامی دهقانان زحمتکش ما بود. ولی سه سال است که لبرال ها و قشرین و عمال بزرگ مالکان و وابستان مستقیم و غیر مستقیم به بندش های آمریکا مانع از انجام برنامه شورای انقلاب شده اند. اما سخنان و وعده شهید باهنر در گشای راه است و زندگی ضرورت تحقق آن را اثبات می کند.

در این هفته، هنگامی که آقای موسوی نخست وزیر در باره مشاهدات آیت الله شرفی اصفهانی و مسائل امنیتی و نبرد با دسایس آمریکا سخن می گفت، به نحوی طبیعی و بدیهی از حل مسئله زمین، به مثابه یک عامل انقلابی مدافع جمهوری، یک عنصر عزم کننده توطئه های دشمن، یاد کرد. وی گفت:

«من در این جا در مجلس انقلابی خودمان می خواهم که در این زمینه و لویجی مثل طرز زمین، تعجیل کند، که انشاء الله دولت بتواند قوی تر با مسائل برخورد نماید.»

این جمله به خوبی و به درستی رابطه حل مسئله زمین را با مسائل سرنویستی انقلاب، رابطه ریشه کنی بزرگ مالکی را با درهم شکستن یک پایگاه دشمن متکس می کند.

در این هفته - هم چون بازتابی نیرومند از سخنی، که از دل

۱۵ میلیون هادقان زمین دیده برمی خیزد - اصلاحات ارضی اسلامی - یعنی گندوی تکمیل صحران در قضا به خوش اطلاع کرد که:

«تفصیلات ازم با تصویب هر چه سریع تر طرح اصلاحات ارضی اسلامی، مردم شتم دیده و محروم منطقه را در جهت افزایش تولید کشاورزی باری کشیده و بار بار از شرف توالت های نامناسب و آلوده ای ملاحظه کنند.»

در همین زمینه دهقانان به مجلس، به نمایندگان نهضت خود، به انجمنه جمعه، به نهادهای انقلابی و به مطبوعات نامه ها و طومارها فرستاده و خواستار رفع نقایم مسخ کنند، طرح کنونی و تصویب و اجرای سریع قانون واگذاری زمین و قطع دست چاولگر بزرگ مالکان شده اند.

در همین زمینه، آقای سلامت وزیر کشاورزی، که به پیروی از خط مردمی امام، از حقوق دهقانان جانبداری می کند، طی مصاحبه ۲۹ مهرماه با خود با روزنامه کیهان، موضع گیری مهمی را در آستانه پایان کار «کمسیون ویژه» آقای شرف در مطرح نمود. مجلس بیان داشت، که به جهت اهمیت و برای اشتباهی رفا با آن و استفاده از در فعالیتها و توضیحات خود، جملات متعددی از این مصاحبه را نقل می کنیم.

آقای سلامت گفت:

«ما هم چنان فئودال و بزرگ مالک داریم، که خون وجان کشاورزان را میگرداند و اجدات بسیاری به کشاورزان کرده می کشند. انوار عدله زبانی از اینها، به معنی آنکه حرام اندر حرام است، باید صادره کرد و به مصالح اصلی بازگردانده شود. اکثر بزرگ مالکین ما این چنین بوده و هستند، که مال بزرگ، کشاورز را تصاحب کرده و باید طبق اصل ۴۹ قانون اساسی از آنها گرفته شود. در حاشا حصر ما روی اصلاح های آنها صحبت می کنیم. مراحل نهایی قانون در کمسیون ویژه تمام شده و عنقریب به مجلس شورای اسلامی برای شرف دوم ارائه می شود. در ارتباط با بند "د" روی زمین های حلال نیز بحث می شود. وقتی یک نفر دارای زمین زیادی می باشد، در حالی که تعداد زیادی کشاورزی بر کار در آن جا وجود دارد و اگر مالک سرمازی ندارد و وقتی دولت نمی تواند برای اینها ایجاد اشتغال کند و مال را لحاظ شرعی موقوفه نماید آنها را تا همین حد، طبقه زمین این مالک را گرفته و به کشاورزان داد. بند "د" در موضوع رای ارائه می دهد و در این جا باید از احکام تاریخی استفاده کرد. انشاء الله قانون اصلاحات ارضی اسلامی به تصویب و به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.»

اگر اهمیت و ضرورت حل این مسئله دیگر بررسی شود، نیست، با خیاری که مرتبا از نواحی مختلف کشور، دال بر پراکنش بزرگ مالکان و تصرف بی حد زمینها می رسد، لزوم تسریع در این معلوم می گردد.

از آن رویدادها تا فارسی، از خراسان تا تکلیان، بزرگ مالکان منتقل از عدم تصویب و اجرای قانون سواستفاده کرده و با انعام نفوذ و با "حکم دادگاهها" و زمین را از زمین محروم کرده اند و تخم پایس و ناراضی می افشانند، آقای رنجبر نماینده صومعسرا اخیرا گفت:

«انقلابی کشاورزان عزیز را با عده ای به نام مالک درگیر کرده است. کشاورز با در دست داشتن سند واگذاری، که از مراجع اصلاح صادر است، مجبور است با شکست دمی، خلع بد نماید.»

این مدعی همان کسی است، که به قول وزیر کشاورزی ظلم رستم به کشاورزان کرده و باید مال کشاورزان از حلقوم آنها بیرون کشیده شود. پایان دادن به این وضع و لیل به هدف مهم انقلاب ضرورت و فوریت دارد. به مجلس شورای اسلامی باید طرحی از طرف کمسیون ویژه ارائه شود، که نقایم و نقاط ضعف طرح اولی را نداشته باشد و در

۳۰ کتب و به بعضی عده در آن مسئله و هم کرد به هدایت و نداشتند. همان طور که دهقانان و مردمانی طایفه هیفت های هیفت نثری در جلسه کشوری خود درخواست کرده اند. از موسم گیری های این هفته مقامات خط امامی نیز بیداریت، قانون مصوبه باید بتوانند به بطور شریک با مسأله مالکی را برکنند و به بطور کامل جدی، بدون "ذبح شرعی"، بندهای "ج" و "د" مربوط به زمین های با بر و دایر بزرگ مالکان - بدون استثنا، در برگیرد.

اجرای قانون اساسی در زمینه آزادی فعالیت احزاب سیاسی

در اجرای شمار بزرگ آزادی، که تا همین از اهداف عالیله انقلاب است، فعالیت آزاد احزاب سیاسی، که در جهت انقلاب و در چارچوب قانون اساسی عمل می کنند، اهمیت در چارچوبی دارد. برخی رویدادهای این هفته بار دیگر این مسئله اساسی را، که در شکل گیری آینده ایران انقلابی جای بیس مهم دارد، مطرح ساخت. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره تصریح دارد و جای هیچ گونه شک و شبیه و تفسیر و تاویلی در این نسبت، قانون مربوط به احزاب بیش از یکسال است که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. از آن نامه مربوط به نیز چند ماه است در تدریس و تشریح شده است. یکی از موانع آئین نامه، تشکیل کمیسیونی برای اجرای آن است، که از جانب مجلس نیز دو نماینده و آن شرکت می کنند. ماههاست، که مجلس ایس دو نماینده را برکنند می رود. به دنبال استغای اخیر آقای شاریتی، در این هفته بار دیگر رای گیری برای انتخاب نماینده به عنوان عضو این کمیسیون به عمل آمد. در جلسه علنی ۲۹ مهرماه، از جمع رای ۱۶۹ رای (بازطه و سفید ۲۴ رای) یکی از نماینده ها، آقای احمدی ۲۲ رای، آقای فدایی رای هشت رای داشت. آقای احمدی ۲۲ رای، آقای موحدی سوچی ۲۲ رای با همست آوردند. ولی آقای منتخبینا با ۷۳ رای به سمت نماینده مجلس گرد کمیسیون مربوط به قانون احزاب برگزیده شد. هنگامی که نماینده ایس ۱۹ نشان می دهد، که اکثریت مجلس شورای اسلامی نماینده آیت الله آیت الله کار کمیسیون را به همست و مسئله فعالیت احزاب سیاسی را به همست بکنند.

اما این مسئله، که حل درست آن خامن رشدو شکرتابی جمهوری اسلامی ایران و ارتقاء حیثیت بین المللی آن و هم متر از همه شانه احترام به قانون اساسی و اجرای این خونینای شهیدان در عمل است، نیاز به برخورد جدی و با مسئولیت دارد. علاوه بر صریح قانون اساسی، توجه به سخنان شخص امام خمینی، برای هیچ کس منطقی جای سئوالی در این زمینه باقی نمی گذارد. رهبر انقلاب، «آبای سال ۵۷» به خبرنگار کار این، در پاسخ سئوال: «شما حزاب کمونیست را غیر قانونی می دانید؟» گفتند:

«همه احزابی که برای مصالح ملت کار کنند، آزاد خواهند بود. در ۶۷ آبان ۵۷ به پرسش نماینده روزنامه هندی گفتند: «کمونیستها چه در بیان عقاید خود آراند.»

۱۸ آبان ۵۷ به یک گروه از خبرنگاران غربی، بازم در پاسخ به سئوال مربوط به آزادی کمیونستها و مارکسیستها و اظهار عقیده و بیان، گفتند:

«تولدا سلامتی می کند. دولت دموکراتیک به معنای واقعی است و هر کس می تواند اظهار عقیده خویش را بکند.»

۷ در ۱۹ تان ۵۷ هجری بمیاننده سازمان عفو بین المللی گفتند: در حکومت اسلامی همه افراد آزاد در هرگونه عقیده‌های هستند، ولیکن آزادی فریادگاری ندارند.

در ۲۶ دی ۵۷ هجری بخبرنگار لیبنانی گفتند: هنگامی که حکومت اسلامی در ایران ایجاد شود، مارکسیست‌ها آزاد خواهند بود. دوستانه عقیده‌های خود را بیان کنند، اما آزادی توطئه علیه کشور را نخواهند داشت.

این است پاسخ امام خمینی به مسئله مورد بحث. و برپای آن که تصور نشود که این سخنان درست و اصولی فقط قبل از پیروزی انقلاب گفته شده، به عنوان نمونه یادآوری می‌کنیم که:

نهم اسفند ۱۳۵۷ امام خمینی گفتند: "بیان قلم و عقیده برای هگان آزادی‌ی است، لیکن مردم توطئه را هرگز اجازه نمی‌دهند." و در ۲۱ اردیبهشت ۵۶ تکرار کردند: "همه احزاب و گروه‌ها، تا وقتی که با کشور اسلامی جنگ ندارند و در مقابل اسلام قیام مسلمانانه نگردانند، به طور آزادانه عمل می‌کنند و به طور آزادانه حرف‌های خودشان را می‌زنند."

قاعدتا همه کسانی که "به اسلام اصیل و خط امام معتقد می‌باشند، باید علاوه بر قانون اساسی، اصل موضع‌گیری‌ها را هم پایه تفاوت خود قرار دهند، که خود تائید اصول قانون اساسی است. تحقیق این سخنان و اجرای این قانون با اکثریاتی جمهوری اسلامی ایران و تثبیت و تعمیق انقلاب لازم دارد.

جامداره که سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی را در خطبه‌های آخرین نماز جمعه - ۳۰ مهر - خاطر نشان کنیم، که گفت: "اگر می‌خواستند اگر شما حرکت ساسی کنید، بعد از ما تاقیات آن‌ها را آنگاه می‌گذاریم ... این سخنان است که باید جامعه عمل به خود پوشد. اکنون که قانون احزاب تصویب و کمسیون مربوطه نیز تکمیل شده، لازمست که این مسئله مهم انقلاب، بنابر همنوهای امام خمینی و مضرحات قانون اساسی، حل شود.

باعتبار تقویت انقلاب و تحکیم دولت، ما خواهد شد که نمایندگان راستین و قابل احترام خط امام، در بیان مسأله نیز موضع روشن و انتظاری اتخاذ کنند و در برابر الحاقات و شائبه‌ها مجال لیبرال و انحصارطلبی را در برابر مشارکت‌شور و فرصت‌طلبان قاطعانه از قانون اساسی و از حق آزادی تالیفات احزاب سیاسی طرفدار انقلاب مدافعه نمایند.

### کلاف پیچیده توطئه‌های منطقه‌ای آمریکا

در هفته‌های گذشته، اخبار مختلف و متضادی رسید، که ما دارد هشجاری را نسبت به توطئه‌های منطقه‌ای آمریکا فزونی بخشد. از یک سو خبر رسید که آقای ولایتی وزیر امور خارجه، ضمن سفر خود به نیویورک، با وزیر امور خارجه پاکستان، که در آمریکا حاضر می‌بود، ملاقات کرد. در پایان هفته نیز، به دعوت رسمی آقای ولایتی، وزیر امور خارجه ترکیه به ایران آمد و مذاکرات مفصلی انجام گرفت. با توجه به نشتی که پاکستان و ترکیه در شرق و غرب ایران برای اجرای نقشه‌های آمریکا و انجام توطئه و اسطخری سیاسی و اقتصادی در مریکا می‌کنند، این دیدارها و ملاقات‌ها بطور نظر نمود. اما از سوی دیگر اخبار و اطلاعاتی در جرایم ایران درج شد، که نشان می‌دهد آگاهی نسبت به نقش دول این دو کشور، به بنیادهای عامل امپریالیسم، بیش از پیش اوج می‌گیرد و مردم

۸ انقلابی ایران از ناز و برد توطئه‌های آمریکا دره، مدافعال نیستند. در این هفته خبر رسید که ژنرال ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان طرح پیشنهادی مرستان سعودی را در مورد استراتژی نظامی مشترک توطئه نیروه‌های مسلح کشورهای عضو شورای همکاری خلیج (فارس) تأیید کرد.

ضیاء الحق خطاب به خبرنگاران گفت: "اگرچه پاکستان عضو شورای همکاری خلیج نیست، ولی خود را یکی از کشورهای حوزه خلیج تلقی می‌کند." معلوم نیست وزیر خارجه پاکستان به وزیر خارجه ما در این باره چه گفت‌وگوست، ولی انتشار همین اخبار نشان می‌دهد که ظاهر فریبی‌های کشور "میلان همسایه" دیگر کسی را نمی‌فریبد.

دروزرزنامه‌ها، نوشته‌های نشریه هندی "پاتریوت" چاپ شد، که نوشته بود:

"امریکا یک پیمان نظامی تازه در خلیج فارس به نفعی سنتو تشکیل می‌دهد، که در آن پاکستان و مرستان سعودی و عمان و بحرین شرکت خواهند داشت. همکاری نظامی پاکستان با عربستان سعودی و عمان افزایش خواهد یافت و هم‌اکنون تعداد قابل توجهی از پرسنل نظامی پاکستان در سعودی و عمان به کار معنولند و کاربرد سلاح آمریکایی را آموزش می‌دهند.

روزنامه می‌نویسد: "در تشکیل یک پیمان تازه نظامی از سوی آمریکا در خلیج فارس نقش اصلی را پاکستان و انگلستان و انگلستان برای اجرای طرح استراتژی خود کتک‌تالی نظامی فراوان در اختیار اسلام آباد قرار می‌دهد.

انتشار این نوشته‌ها در جرایم کشور ما نشان‌دهنده آنست، که دیگر افسانه "تسرب دوست همسایه سلمان" نمی‌تواند کسی را خواب کند و هشجاری کشور به عملکرد این گروه دولت‌ها، در ارتباط با نقشه‌های آمریکا، افزایش جدی یافته‌است.

در مورد ترکیه هم، کنگرز پر خراجش به کشور ما مدهود، به دنبال اخبار هفته قبل دربار سفر رئیس سازمان جاسوسی آمریکا و مقامات وزارت خارجه و جنگ آمریکا به آن کشور، ولی این هفته خبر داده شد که دولت ترکیه، در حالی که خود را آماده استقبال از حسین شادرونی می‌کند، از "ریچارد پریل" معاون وزیر دفاع ایالات متحده پذیرایی کرد، وی در آنکارا گفت: "امریکا از هیچ‌کوشی برای مدتی به طرفداری نیروه‌های هوایی و زمینی در برابر ترکیه دریغ نخواهد کرد."

اضافه کنیم که ترکیه عضو پیمان "ناٹو" هم هست و بنابراین اخبار این هفته، ما نشان نظامی وسیع آمریکا در منطقه خلیج فارس و دریای عمان اساساً، با شرکت کلیان "ناٹو" و رژیم‌های ارتجاعی منطقه انجام خواهد گرفت.

به خوبی پیداست که کلاف پیچیده توطئه‌های منطقه‌ای آمریکا در اطراف جمهوری اسلامی ایران تنیده می‌شود، تا از درون با سنج و نا توان کردن انقلاب و از برون با پرورش نظامی و عملیات پنهانی، موجبات براندازی را فراهم سازند. رژیم‌های ترکیه و پاکستان هم عامل و کارگزار این نقشه‌ها هستند.

علاقم هشجاری و گوش به‌زنگی، نه در مورد اقدامات دول پاکستان و ترکیه ظاهر شده‌است، علیرغم دید و بازدیدهای متوالی در این زمینه. شناخت دوستانه دشمنان خارجی ایران انقلابی امیدبخش باشد. منتقدی مانند سایر زمینه‌ها، در این جا نیز هلاک واقعی و خطایی عمل است، نتیجه‌گیری و تدبیر شخصی، به دنبال شناخت است.

## جهان

### گرایش‌های تازه در سیاست خارجی چین

در سیاست خارجی چین، پس از یک دوران مندمود گریبی در کنار نیروه‌های امپریالیستی، چرخه‌های تازه واقع‌گرایانه پدید آمده‌است. ناک‌گامی‌های بیابایی، که سیاست ماجراجویانه و عظمت‌طلبانه رهبری مائوئیستی برای این کشور بزرگ در صحنه بین‌المللی به‌کار آورد و جمهوری خلق چین را در میان کشورهای "جهان سوم"، که دامنه رهبری آن را داشت، به‌انزوا گذاشت، رهبری کنونی چین را به‌تجدیدنظر در سیاست خارجی

و داشته‌است. اکنون رهبران جمهوری خلق چین اعلام می‌کنند که در سیاست خارجی خود، نه‌در کنار ایالات متحده برضد اتحاد شوروی جای خواهند گرفت و نه در کنار اتحاد شوروی برضد آمریکا، و خواهند گویند تا با هر دو کشور روابط مادی داشته باشند.

هنوز زود است که بتوان از تحول بنیادی در سیاست خارجی چین سخن نزدیکی به معنای سوسیالیسم مسخر گفت. اما اگر جمهوری خلق چین همین سیاست‌های کردن مسخرات با کشورهای سوسیالیستی را بگیرد دنبال کند، می‌تواند نقش بزرگی در کاهش تنش‌های بین‌المللی و خطر جنگ ایفا نماید.

جمهوری خلق چین با آن که در دوران پس از مائو توده‌دون، چه در سیاست‌های داخلی و چه در سیاست خارجی، مسیر پیچ و خمی را طی کرده و حتی راه را به‌روی سرمایه‌های خارجی و داخلی به معنای وسیع‌تری از گذشته گشوده‌است، هنوز به‌عنوان کشوری، که در آن روابط اقتصادی سوسیالیستی حاکم است، باقی‌مانده‌است. احزاب کمونیست برادر در تمام این مدت، که حزب کمونیست چین و جمهوری خلق چین، بی‌گانه‌مانند

مندیانشان، از خانواده احزاب و کشورهای برادر سوسیالیستی دور مانده‌اند، هرگز امید خود را از دست ندادند، که به‌لاخره جمهوری خلق چین، با گرایش‌های سوسیالیستی، به‌تالیفات اقتصادی سوسیالیستی جمهوری خلق چین، به‌سود چیرشده و عامل زیربنایی حل خواهد شد. خلق بزرگ چین هم‌اکنون تمام شایسته خود را در خدمت پروژه فدایی سوسیالیستی و در راه آزادی و ترقی عالم مسلم دیدار می‌کند.

ولی گمان می‌رود که هنوز راه درازی در پیش است. تا حزب کمونیست چین بتواند برمیوات شوم مائو قایق آید. اما همین نخستین گام‌ها نیز قابل توجه است. علاوه بر مذاکراتی که در پکن و در مسکو بر سر عادی‌کردن مناسبات بین دو کشور انجام می‌گیرد، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، برای نخستین بار پس از هجده سال، که در حزب کمونیست فرانسه را به‌پیکر دعوت نمود، روزنامه‌ها را به‌تجدیدنظر حزب کمونیست فرانسه دیدارشان را سرمدمند نامید و طرفین اعلام داشتند، که اختلاف نظر بین احزاب کمونیست، نباید مانع روابط دوستانه آنان باشد.

هرتوجه در سیاست خارجی جمهوری خلق چین می‌تواند اثرات خود را در تمام مسائل جهانی به‌جای می‌گذارد. موضع‌گیری‌ها و همدستانش در برابر کشورهای سوسیالیستی یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت‌های صحنه سیاست‌های امپریالیسم در ویاورایی باجنتی‌های انقلابی، در برابر چین بود. رهبران دولت کمونیست چین هرچند شخص انقلابی، در هر جای جهان را پدیدهای به‌سود اتحاد شوروی تعبیر کرده

از بان به مخالفت برمی آید. آن گویا را می توان به عنوان مثال ذکر کرد. اینک پس از چندسال که از استقلال آن کشور می گذرد، شناسایی این کشور از سوی جمهوری خلق چین، نشانه آنست که سیاست حزب کمونیست چین در این مورد نیز مورد تجدید نظر قرار گرفته است. ظهور اعلام مثبت در سیاست خارجی جمهوری خلق چین بر مبنای راستین را، در هر کشوری باشد، نمی توانست خوشحال نکند. و ما امیدواریم که حزب کمونیست چین بتواند این روند تکاملی را تا مرز بازگشت به پیچیده صلح و سوسیالیسم ادامه دهد.

### سازمان آزادی بخش فلسطین درجهجه تبرد سیاسی

سازمان آزادی بخش فلسطین تبرد سیاسی خود را در شرایط بسیار پیچیده و غیرنرمی دنبال می کند. استراتژی این تبرد عبارتست از جمع آوری حداکثر نیروهایی که می توانند در مرحله کنونی مبارزه از نزدیکترین و مهم ترین هدف سازمان آزادی بخش فلسطین، که ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی است، پشتیبانی کنند. رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین می گوید که با ایجاد هماهنگی بین عوامل مختلف درونی و بیرونی، که گاه مواضع متضادی دارند، متعادلترین و محل مناسبی برای پیگیری هدف اصلی خود بیاید. سازمان آزادی بخش فلسطین باید در این مبارزه استراتژی سیاسی امپریالیسم آمریکا را که عنصر اصلی آن شدت بخشیدن به این مواضع متضاد، برای برهم زدن هماهنگی میان نیروهای مختلف و منزوی کردن سازمان آزادی بخش فلسطین است، خنثی کند.

روزگاری بود که برخی از نیروهای متشکل در سازمان آزادی بخش فلسطین با سیاست های یکجانبه و ساده گرانه: خوش، به امپریالیسم در اجرای این سیاست تبدیل گرانداش عملاً کمک می کردند. امروزه همی سازمان آزادی بخش فلسطین، در مجموع، از آن مرحله بیرون آمده است و می گوید که سیاست های خود را، با حفظ اصول، با انتظاف و توش، برای نیل به هدف اصلی خود از پیش برود. نمی توان ادعا کرد که سازمان آزادی بخش فلسطین دیگر دچار اشتباه در ارزیابی های سیاسی خویش نباشد. چنین ادعایی درباره هیچ سازمانی صادق نیست. اما با پذیرفتن تمام عوامل داخلی و خارجی است، که باید درباره این سیاست ها به گفتار نشست. مطبوعات و رسانه های امپریالیستی سعی می کنند که چهره سازمان آزادی بخش فلسطین و سیاست های آن را هر چه شایسته تر جلوه دهند. متأسفانه مطبوعات و رسانه های کشورمان نیز گاه به تیر تاثیر تبلیغات امپریالیسم خبری قرار می گیرند و از آن سازمان، به دلیل این یا آن اقدام، بدون توجه به مجموعه عواملی که در آن موثر بوده است، انتقاد و یا بهتر بگوییم، عیب جویی می کنند.

سازمان آزادی بخش فلسطین اگر به هدف نهایی خود، که ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی است، دست یابد، بزرگترین ضربت را بر امپریالیسم و صهیونیسم وارد کرده است. سازمان آزادی بخش فلسطین می تواند حتی دارد برای نیل به این هدف، از هر متحدی هر چند ناایستاد، موثقی و ناپیشگیر استفاده کند. مذاکرات و هیران سازمان آزادی بخش فلسطین با همیران مرتجع عرب را که اکنون زیر فشار خلق های خود، ناچار به پذیرفتن یک کشور مستقل فلسطینی شده اند، باید از این زاویه دید ارزیابی نمود. نباید از نظر دور داشت

آنکه آمریکا و اسرائیل با دام زدن به اختلافات داخلی اعراب، از جمله بین سازمان آزادی بخش فلسطین و دولت های عربی، توانستند ده ها سال سیاست های خود را بر همه آن ها تحمیل کنند.

سازمان آزادی بخش فلسطین هنگامی می تواند درجهجه دشوار تبرد سیاسی به پیروزی برسد، که بتواند اسرائیل و حامیان آمریکا را از در میان خلق های منطقی و تمام خلق های جهان منزوی کند و آن ها را در فشار تاریخ وادار به عقب نشینی و تسلیم نماید. و چنین چیزی نیازها در خارج روی داده است، که ویتنام نمونه برجسته آنست. لی توان گفت که سازمان آزادی بخش فلسطین در این جبهه تاکنون موفقیت های چشمگیری به دست آورده است. موفقیت های سازمان آزادی بخش فلسطین درجهجه تبرد سیاسی معلول اوضاع کنونی جهان است، که در آن خلق ها، در صحنه بین المللی و چه در موفقیت های چشمگیری به دست آورده است. موفقیت های سازمان امپریالیستی و غیربرمدی را همواره دشوارتر می سازند.

### نطق های انتخاباتی ریگان

هفته پیش ریگان نطق های انتخاباتی خود را به نفا نامزد های حزب جمهوری خواه از ایالت "ایلی نوبی" آغاز کرد. ریگان در برابر رای دهندگان آینده عملاً از مواضع خود، در ارتباط با مجازات های اقتصادی درباره اتحاد شوروی، عقب نشینی کرد. وی به کارگزارانی که در اثر "حزب" ارسال تکنولوژی آمریکایی به اتحاد شوروی بیگار مانده اند، وعده داده که اگر به نامزد های حزب جمهوری خواه رای دهند، این تحریم را لغو خواهد کرد و راه های دیگری برای اعمال فشار بر اتحاد شوروی جستجو خواهد نمود. وی به کشاورزان منطقه موده داد، که دولت جمهوری خواهان سال آینده ۲۲ میلیون تن گندم به اتحاد شوروی خواهد فروخت.

انتخاب موضوع روابط آمریکا با اتحاد شوروی در بسیاری از انتخاباتی از سوی ریگان تصادفی نیست. این روابط هم اکنون برای مردم آمریکا مسئله اساسی است. هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در مبارزات انتخاباتی خود به مردم آمریکا وعده می دهند، که در صورت پیروزی، روابط بین دو کشور را بهبود خواهند داد. البته این مردم تمام احزاب بورژوازی است، که در دوران مبارزات انتخاباتی در باغ سبز به مردم نشان می دهند. همین که از صندوق رای رای سپید در آوردند، سیاست های انحصارات و سرمایه داران بزرگ را برای می کنند. ولی به هر حال وعده بهبود مناسبات آمریکا و اتحاد شوروی از جانب هر دو حزب در مبارزات انتخاباتی، نشانه آنست که مردم آمریکا با سیاست سابقه تسلیحاتی و جنگ سرد و تشدید تنش فزاینده محافل هار امپریالیستی موافق نیستند.

### تغییر دولت در آلمان فدرال

کابینه "هلموت اسمیت"، که فدرالیترین دولت در اروپای غربی و آمریکا بود، به یک زدوبند پارلمانی سقوط کرد و جای خود را به کابینه هلموت کول داد. حزب سوسیال دموکرات، که "اسمیت" نماینده گی آن دولت را اداره می کرد، در پارلمان آلمان فدرال اکثریت داشت و نتوانست در

۱۲ اختلاف با حزب دموکراتی آزاد بود که می توانست در اس حکومت باقی بماند. این حزب یکی از چهار حزب عمده در پارلمان آلمان فدرال است، که با ۵۱ نماینده خود می توانست به نفع حزب سوسیال دموکرات و یا اختلاف دموکرات های مسیحی و سوسیالیست های مسیحی، کنشنامه سرمایه داری بزرگ و رقیب عمده سوسیال دموکرات ها در پارلمان هستند. در تشکیل دولت نقش اصلی را بازی کند. در انتخابات ۱۳ ساله حزب سوسیال دموکرات و حزب دموکرات های آزاد، از سال قبل به طور کلی درباره تصمیمات اقتصادی و مالی دولت اختلافات جدی پدید آمد. پس این حزب سوسیال دموکرات، که بیشتر به محافل کارگری و قشرهای کارمند و مزدگیر جامعه متکی است، و حزب دموکرات های آزاد، که نماینده جناحی از سرمایه داران، بورژوازی متوسط و اشرار مرفه است، در چند مسئله مهم اختلاف اصولی پدید آمد. دموکرات های آزاد در دومورد اصلی، که یکی افزایش مالیات ها برای تأمین مالی برنامه اشتمیت در جهت بالا بردن سطح اشتغال و مبارزه با بیگاری، و دیگری افزایش بودجه دولتی برای سیستم تأمین اجتماعی کارگران و کارمندان بود، با حزب سوسیال دموکرات در داخل کابینه و سپس در پارلمان به مبارزه برخاستند، و در فرجام اختلاف خود را با حزب سوسیال دموکرات برهم زدند و دموکرات های مسیحی و سوسیالیست های مسیحی، با استفاده از این موفقیت، توانستند از مجموعه سه حزب: دموکرات های مسیحی، دموکرات های آزاد و سوسیالیست های مسیحی، کابینه "اسمیت" را، با یک رای عدم اعتماد، سرنگون کنند. در همین حال تمام احزاب تصمیم گرفتند، که با اجرای انتخابات پیش رو، تکلیف دولت آینده را تعیین کنند.

حزب سوسیال دموکرات در صورت پذیرش پیشنهاد دموکرات های آزاد، با آن که می توانست بر سر دولت باقی بماند، ولی پشتیبانی توده های خود را از دست می داد و در آن صورت امید به پیروزی در انتخابات آینده نیز نمی توانست داشته باشد.

حکومت "کول" در سیاست داخلی می خواهد در واقع همان سیاست ریگان را اجرا کند، یعنی کم کردن مالیات ها به سود سرمایه داران بزرگ و کم کردن هزینه های اجتماعی به زیان زحمتکشان. ولی با توجه به بحران اقتصادی در آلمان غربی، مانده اند که کشورهای سرمایه داری، بویژه گسترش بیگاری، اجرای این سیاست مانده آمریکا به تشدید بحران از یکسو و به گسترش مقاومت و مبارزه زحمتکشان از سوی دیگر منجر خواهد شد. و اما در سیاست خارجی حتی حکومت "کول"، از آن که رنگ "آمریکادوستی" بیشتری به خود خواهد گرفت، ولی در برابر جنبش عظیم ضد جنگ و خیل عظیم بیگاری، ارجمند کنون اعلام کرده است که روابط اقتصادی آلمان فدرال را، با کشورهای سوسیالیستی - از جمله در مسئله لوله گاز سردی - به نحو سابق حفظ خواهد نمود. تغییر کابینه در آلمان فدرال، بیش از آنکه نتیجه یک تحول در برخورد مردم نسبت به سیاست احزاب کنشنامه، یک زدوبند پارلمانی است، و نتیجه پس از انتخابات آینده است، که می توان از تغییرات کم و بیش پایدار در سیاست جمهوری فدرال آلمان سخن گفت.